

به نام خداوند جان و خرد

۱۱۳۳۲.



بنیاد ایران‌شناسی



۸۷۱۱۰۸۳۶۹
۸۸/۱۶۴

نوروز در حوزه فرهنگی ایرانی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد

رشته ایران‌شناسی

گرایش عمومی

استاد: دکتر کتایون مزداپور

پژوهش: ناهید خنجری

مجموعه اطلاعات بزرگ علمی و فرهنگی
تاسیس ۱۳۵۷

۱۳۸۸ / ۱ / ۱۸

زمستان ۱۳۸۷

۱۱۳۳۲۰

بسمه تعالی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته ایران شناسی

گرایش: عمومی

عنوان: نوروز در حوزه فرهنگی ایرانی

نگارش: ناهید خجری

گروه داوران

استاد راهنما: سرکار خانم دکتر کتایون مزدپور

استاد مشاور: نذارد

استاد داور: سرکار خانم دکتر سوسن بیانی

استاد داور: سرکار خانم دکتر سهیلا صامی

تاریخ: ۱۳۸۷/۱۱/۶

امضاء.....

امضاء.....

امضاء.....

امضاء.....

پیشکش بہ پدرم خدا داد خجری

بزرگ مردی کہ مہربان ایران و فرہنگ ایرانی را از کودکی در وجودم پرورد

با حسرت بوسہ بردست بایش ...

چکیده

نوروز، جشن بهاری آغاز سال نو ایرانی، کهن‌ترین و گسترده‌ترین میراث معنوی مشترک انسان‌هایی است که چند هزار سال است در پهنه وسیعی از جهان، از چین تا مدیترانه، در کنار هم زندگی می‌کنند. این پهنه را می‌توان گستره فرهنگ ایرانی نامید و نوروز، یکی از بخش‌های این فرهنگ، رها از مرزهای جغرافیایی و سیاسی، چونان آیینی فرا ملی، سرزمینی را در بر می‌گیرد که می‌توان آن را «سرزمین نوروز» خواند. نوروز خود از اجزایی گوناگون تشکیل یافته است، که این اجزا در هر نقطه از این گستره وسیع، با رنگی بومی، در ژرفای زندگی و فرهنگ مردم جای گرفته است. از این رو در نگاه نخست، ترکیب چشم‌نوازی از آداب و باورهای رنگارنگ و گوناگون نوروزی را در این پهنه می‌توان دید که در مواردی مشابه و در مواردی بسیار متفاوت‌اند. با نگاهی عمیق‌تر، اصول مشترکی که همچون تارهایی استوار، این پودهای رنگارنگ را در کنار هم با تناسب و هماهنگی و زیبایی نگاه می‌دارند و به هم پیوند می‌دهند، نمایان می‌گردد.

نوروز جشن آفرینش، جشن ستایش زندگی، جشن نوزایی هر ساله هستی و نماد رستاخیز است. می‌گویند آفرینش در نوروز به انجام رسید. اکنون هر ساله به یاد آن، آنان که به جهان مرگ رفته‌اند، به جهان زندگان باز می‌گردند؛ هستی بر نیستی چیره می‌شود؛ نموده‌های آفرینش هر مزد بر نموده‌های اهریمنی پیروزی می‌یابد؛ و همچو زمان اساطیری جمشید شاه، جهان جوان و بی‌مرگ می‌گردد! روزگار از نو دوری آغاز می‌کند و همگان در تلاش و تکاپو خواهند بود تا روزگار نو، روزگار بهتری باشد.

کلید واژه: نوروز، حوزه فرهنگی ایران، جشن، باززایی و باز آفرینی، آیین، آداب و رسوم.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	بیان مسئله و تعریف مفاهیم پژوهش
۴	بیان مسئله پژوهش
۵	اهمیت و ضرورت موضوع مورد پژوهش
۵	اهداف و دستاوردهای پژوهش
۶	پرسش‌های پژوهش
۶	روش کار پژوهش
۸	پیشینه پژوهش
۱۵	معرفی و نقد منابع
۱۸	دشواری‌های پژوهش
۲۲	فصل نخست: نوروز، پیشینه و کلیات
۲۴	نوروز چیست؟
۲۴	گستره جغرافیایی فرهنگ نوروزی
۲۵	مدت برپایی جشن‌ها و آداب نوروزی
۲۶	بنیان اساطیری نوروز
۲۸	نوروز، پیشینه تاریخی و ارتباط با بین‌النهرین
۳۱	برگزاری نوروز در دوره‌های گوناگون تاریخ ایران

۳۳	نوروزِ ساسانیان
۳۸	موسیقی نوروزی
۳۹	نوروز در دوران اسلامی
۴۲	بن‌مایه‌ها، مفاهیم و پیام‌های نوروز
۴۳	رسم‌های محوری نوروز
۴۴	خانه و لباسی پاک و نو برای نوروز
۴۴	خوراک نوروزی
۴۵	خوان نوروزی
۴۵	دیدار و تبریک‌گویی
۴۶	هدیه نوروزی
۴۶	یادِ درگذشتگان و آتش افروزی نوروزی
۴۷	تعطیلی کار در نوروز و سرگرمی‌های نوروزی
۴۸	نوروز در دامان طبیعت
۴۹	پیام‌آوران نوروز
۵۰	نتیجه
۵۱	یادداشت‌های فصل یک
۵۴	فصل دوم: پیشواز نوروز
۵۶	پیش‌آهنگان نوروزی
۵۶	کوسه‌برنشین
۵۷	کوسه‌گردی
۶۲	آتش افروز و حاجی فیروز
۶۶	نوروز خوانی
۷۲	میر نوروزی
۷۶	نوروز، زمان نوشتن

۷۸نوروز و آغازها
۷۸تلاش برای تازه‌گردانی در آستانهٔ نوروز
۷۹خانه تکانی
۷۹ریشهٔ خانه‌تکانی
۸۰نو کردن پیوندها
۸۱بلاگردانی در آستانهٔ نوروز
۸۲آماده کردن مقدمات جشن و شادی
۸۳خوراک‌های ویژهٔ نوروز و برخی باورهای اساطیری
۸۹آماده کردن اجزای خوان نوروزی
۹۰سمنویزان و جنبه‌های آیینی آن
۹۳تخم‌مرغ رنگی
۹۴بازارهای نوروزی
۹۷یاد درگذشتگان
۹۷بازگشتِ فرّوشی‌ها
۹۹نخستین نوروز در غم درگذشتِ یک عزیز
۱۰۰روزهای ویژهٔ درگذشتگان
۱۰۰روزهای ویژهٔ درگذشتگان در باور برخی ادیان
۱۰۱روزهای ویژهٔ درگذشتگان در مناطق مختلف
۱۰۲روزهای ویژهٔ درگذشتگان در پیوند با نوروز
۱۰۳نتیجه
۱۰۵جدول (انواع سمنو)
۱۰۶یادداشت‌های فصل دوم
۱۱۰فصل سوم: نوروز، جشن آغاز سال

- ۱۱۲ بامداد نوروز.....
- ۱۱۴ علت آتش افروزی.....
- ۱۱۵ نوروز فرا می‌رسد.....
- ۱۱۵ خوان نوروزی.....
- ۱۱۸ چرا عدد هفت؟.....
- ۱۱۸ خوان نوروزی در مناطقی از حوزه فرهنگی نوروز.....
- ۱۲۱ تحویل سال نو.....
- ۱۲۵ لحظه تحویل سال و حضور در مکان‌های مقدس.....
- ۱۲۶ نخستین گام، قدم خوش.....
- ۱۲۶ آوردن یک خوش قدم به خانه.....
- ۱۲۷ دیدار از خانواده‌های درگذشتگان.....
- ۱۲۸ دیدارهای نوروزی.....
- ۱۳۰ مراسم نوروز در دیگر کشورهای حوزه نوروز.....
- ۱۳۲ هدیه نوروزی.....
- ۱۳۳ شال‌اندازی و هدیه نوروزی.....
- ۱۳۴ عیدی و مکتبخانه.....
- ۱۳۴ عیدی‌سازی.....
- ۱۳۴ هدیه نوروزی برای تازه عروس و داماد.....
- ۱۳۶ «جشنی» برای درگذشتگان.....
- ۱۳۶ تفأل‌های نوروزی.....

- ۱۳۸ بازی‌های نوروزی
- ۱۳۸ نخستین شنبهٔ سال نو (شنبهٔ سال)
- ۱۳۹ ششم فروردین
- ۱۴۰ ماه فروردین، روز خرداد
- ۱۴۰ خواب آب
- ۱۴۱ مراسم روز هیلُرو
- ۱۴۲ تقال و روز بخشش برکت
- ۱۴۵ شیشهٔ بدر
- ۱۴۶ نوروز سلطانی
- ۱۴۹ پایان نوروز
- ۱۴۹ سیزده بدر
- ۱۴۹ پیشینهٔ تاریخی برگزاری سیزده بدر
- ۱۵۰ خاستگاه سیزده بدر
- ۱۵۱ برخی آداب و باورهای سیزده بدر
- ۱۵۳ باور به نحس بودن سیزده
- ۱۵۳ آداب بلا گردانی در سیزده بدر
- ۱۵۴ آداب بخت‌گشایی در سیزده بدر
- ۱۵۶ هجده بدر
- ۱۵۶ بیست و یکم فروردین
- ۱۵۶ چهلمین روز نوروز
- ۱۵۶ نوزدهم فروردین، جشن فروردینگان

نتیجه ۱۵۷

یادداشت‌های فصل سوم ۱۵۹

فصل چهارم: سخن آخر ۱۶۲

منابع ۱۷۱

مقدمه

نوروز دیرزمانی است که به عنوان جشن بهاریِ نمادِ باززاییِ نبات و حیات و هستی در بین ایرانیان برگزار می‌شود. پیشینهٔ تاریخی نوروز را تا پیش از ورود آریایی‌ها به این سرزمین، در میان ساکنان بومی فلات ایران می‌توان پی گرفت؛ هرچند مدارکی که امروزه در دست است، زمان برگزاری آن را از دوران هخامنشی به بعد نمایان می‌کند، اما از آن رو که اسناد و مدارکی از جشن‌های بهاری ساکنان بین‌النهرین باستان در این منطقه برجا مانده که در بسیاری موارد مشابه مراسم نوروز است، و نیز با توجه به اساطیر و آداب نوروزی ایرانیان، که امروزه همچنان پرتوان و پرتپش به حیات خود ادامه می‌دهند، این گمانی دور از واقعیت نیست که مراسم نوروزی در دوران باستان، در میان ساکنان بومی ایران نیز همراه و همپای همسایگان بین‌النهرینی خود وجود داشته است (بهار، ۱۳۸۴: ۳۴۲-۳۴۱).

از دیرباز، پیدایش نوروز را به جمشید، شاه پیشدادی، نسبت داده‌اند که در دوران فرمانروایی او جهان بی‌کژی و کاستی، بی‌پیری و بی‌مرگ بود. در حقیقت بی‌مرگی اساطیری در شهریاری جمشید، دلیل آغازین این اندیشه بوده است (قول شفاهی دکتر مزداپور). «نوروزِ جمشیدی» هنوز هم واژه‌ای آشنا در بین ایرانیان است.

رفته‌رفته نوروز، که جشن باززایی و برکت در آغاز بهار بود، با مفاهیم جشن مهرگان، که جشن آفرینش به شمار می‌آمد، در آمیخت و جشن آغاز سال نو شد (بهار، ۱۳۸۴: ۳۵۰-۳۴۶). نوروز به عنوان سالگرد آغاز آفرینش و نمود باززایی و رستاخیز، دیری است که بزرگ‌ترین و پرشکوه‌ترین جشن ملی و مردمی ایرانیان است.

در همهٔ مناطق جهان که به دلیل موقعیت طبیعی و اقلیمی فصل‌های سال جلوه و مشخصه‌های آشکار و متمایزی دارند، تغییر فصل و بویژه آغاز بهار و بیداری طبیعت آداب و رسم‌هایی به همراه دارد و در واقع این موضوعی جهانی در فرهنگ انسان‌هاست؛ اما ویژگی برتر نوروز نسبت به سایر جشن‌های بهاری در این نکته است که نوروز گذشته از اینکه جشن آغاز بهار و باززایی طبیعت است، به عنوان جشن آغاز سال نو نیز

محسوب می‌شود (میرشکرایبی، ۱۳۷۹ب: ۶۴). برآستی چه زمانی زیباتر و مناسب‌تر از آغاز بهار و زندگی یافتن دوباره طبیعت و هستی، و چه لحظه‌ای بهتر از لحظه اعتدال بهاری را برای آغاز سال نو، روزگار نو و نوروز می‌توان در نظر گرفت؟

گذشته از این، نوروز بدون وابستگی به هیچ قوم و مذهب و گروه خاصی در فرهنگ این مردم جای گرفته است و وجه مشترک همه گروه‌های قومی و اعتقادی است. می‌توان گفت که «همه اقوامی که به این سرزمین آمده‌اند و همه جریان‌های اعتقادی که در اینجا رواج پیدا کرده‌اند، آن را پذیرفته‌اند، از آن مایه گرفته‌اند و بر آن اثر گذاشته‌اند.» بنابراین، نوروز در رابطه با هویت فرهنگی «چشم‌انداز وسیع‌تری از هویت‌های قومی، مذهبی، زبانی و غیره را در بر می‌گیرد؛ ضمن اینکه بر همه این عناصر تشکیل‌دهنده هویت فرهنگی نیز شمول دارد.» در حالی که جشن‌های دیگر اگرچه هرکدام سطح گسترده‌ای از کشورهای مختلف را در بر می‌گیرند، محور اصلی آنها یکی از عناصر زیرمجموعه فرهنگ است. از این لحاظ نیز نوروز با همه جشن‌ها و عیدهای آغاز سال تفاوت اساسی دارد. همین ویژگی که نوروز جنبه‌های گوناگون و گسترده‌ای از هویت‌های انسانی را در بر می‌گیرد، از عوامل مؤثر در استمرار و گسترش نوروز در طی تاریخ بوده است (میرشکرایبی، همان: ۶۷).

امروزه، نوروز تنها جشن بازمانده از ایران باستان است که هنوز هم تقریباً نزد همه اقوام ایرانی و نیز اقوامی که فرهنگ ایرانی را پذیرفته‌اند، برگزار می‌شود. این اقوام که هزاران سال است در سرزمین‌های گسترده‌ای از چین تا مدیترانه در کنار هم زندگی می‌کنند (میرشکرایبی، ۱۳۸۲: ۱۳)، یا در اصل ایرانی‌اند یا زمانی، در زیر سایه فرهنگ ایرانی و در تعامل با ایرانیان زیسته‌اند و بخش‌هایی از فرهنگ ایرانی و از جمله نوروز را از آنان فرا گرفته و با جان فرهنگ خود درآمیخته‌اند.

حضور چند هزار ساله نوروز در فرهنگ مردم این سرزمین‌ها باعث شده است تا به صورت کهن‌ترین و گسترده‌ترین جشن و آیین مشترک گروه‌های قومی و اعتقادی گوناگونی درآید، که در این پهنه گسترده جغرافیایی زندگی می‌کنند. از دیدگاه فرهنگی، این پهنه وسیع را می‌توان — تحت عنوانی مشترک که برخاسته از اشتراکات فرهنگی است — حوزه فرهنگی ایران یا حوزه فرهنگی ایرانی نامید؛ در این گستره پهناور بیش از نیم میلیارد نفر از مردم جهان، نوروز را جشن می‌گیرند؛ از این رو، عنوان «گستره فرهنگ نوروزی» نیز برای این پهنه، شایسته به نظر می‌رسد.

نوروز را در هر قسمتی از سرزمین بزرگ ایران فرهنگی، به گونه‌ای خاص و اندکی متفاوت از سایر نقاط می‌توان یافت. نوروز در هر خطه‌ای آداب و آیین‌های ویژه آن مردم و منطقه را به خود پذیرفته است و چنان با عناصر بومی آن دیار تلفیق یافته و بومی شده است، که درباره بسیاری از آداب، رسوم، باورها و اساطیر نوروزی این تصور پیش می‌آید که آن مورد به همان صورت در آن منطقه پدید آمده و تنها متعلق به همان خطه است؛ در حالی که با اندکی جستجو، مشابه همان رسم، اسطوره یا... را در ناحیه‌ای دیگر، و باز به صورت بومی شده آن ناحیه، می‌توان یافت.

با این همه، از لابه‌لای آداب و رسوم و باورهای رنگارنگ و گونه‌گون نوروزی، که در سراسر حوزه فرهنگی نوروز برپا می‌شوند - با کنار گذاشتن رنگ‌های بومی و تنوع‌هایی که بنا به شرایط مردم و محیط، در آداب و آیین‌های آن پدید آمده - می‌توان اصول و مبانی مشترکی را بازشناخت که این اصول، حقیقت وجودی نوروز را تشکیل می‌دهند و همه جا یگانه‌اند.

بدین ترتیب، حضور دیرینه و مستمر نوروز در این سرزمین‌ها، این چنین بومی شده و با اصولی مشترک و عمیق، گویای یک هویت مشترک و همبستگی فرهنگی است. علاوه بر این، از لحاظ کارکرد اجتماعی نیز هر یک از آداب و رسوم و باورهای نوروزی، خود در جهت ایجاد صمیمیت، همدلی، همبستگی و رواج ارزش‌های انسانی گام برمی‌دارند.

بدین شکل، یکی از پیام‌ها و نقش‌های اصلی نوروز را برآستی می‌توان ایجاد همبستگی، همدلی و یگانگی دانست. این پیوند از فردفرد اعضای خانواده و جامعه آغاز می‌شود و تا سطح ملت‌های ساکن در سرزمین‌های مختلف حوزه فرهنگی ایران گسترش می‌یابد.

بیان مسئله و تعریف مفاهیم پژوهش

فرهنگ ایرانی طی تاریخ در گستره‌ای بسیار پهناور، بسی فراتر از فلات ایران، پیش رفته و رواج یافته است. راهپایی و گسترش فرهنگ ایرانی در این گستره بزرگ به دلایل و اشکال گوناگونی صورت گرفته است؛ با مهاجرت ایرانیان به سرزمین‌های اطراف، با حضور و قدرت‌یافتن بعضی شاهان و شاهزادگان ایرانی تبار در برخی سرزمین‌های دور و نزدیک، و نیز با قرار گرفتن بعضی از این سرزمین‌ها تحت سلطه دولت‌های ایرانی، فرهنگ ایرانی به سرزمین‌های پهناوری از چین تا آسیای غربی راه یافته، رواج پیدا کرده و ماندگار شده؛ تا جایی که بخشی از فرهنگ مردم آن سرزمین‌ها گشته است.

در واقع با گذر زمان، می‌توان جلوه‌های گوناگون فرهنگ ایرانی را در باورها و آداب مردمانی یافت که رفتارهایی را به عنوان بخشی از فرهنگ سرزمینی خود و شاید بدون اطلاع از پیشینه آن، انجام می‌دهند؛ بدین صورت، این مردمان و سرزمین‌ها بخشی از حوزه نفوذ و رواج فرهنگ ایرانی به شمار می‌آیند.

به این ترتیب، «ایران بزرگ فرهنگی» را بسیار فراتر از مرزهای سیاسی کنونی ایران می‌توان تعریف کرد. در اصل همه سرزمین‌هایی را که فرهنگ ایرانی در آنها زنده و جاری است می‌توان بخشی از گستره ایران بزرگ فرهنگی برشمرد.

نوروز یکی از بخش‌های فرهنگ پُربار ایرانی است؛ که البته خود به عنوان یک رسم، می‌تواند مستقل از سایر بخش‌ها و عناصر فرهنگ ایرانی در زندگی مردم حضور داشته باشد. این رسم به عنوان یک واحد، خود تشکیل شده است از مجموعه‌ای از اجزای سازنده، که تحت یک مرکزیت و چارچوب با هم ترکیب شده‌اند و کلیت نوروز را می‌سازند. با قرار گرفتن همه یا تعدادی از این اجزا در کنار هم در یک سرزمین، تحت عنوان و چارچوب کلی نوروز، می‌توان در کل به حضور رسم نوروز در آن سرزمین اذعان داشت؛ بنابراین نوروز را به عنوان یک واحد در بین بخش‌ها و واحدهای سازنده فرهنگ ایرانی از یک سو، و نیز به عنوان

مجموعه‌ای از آداب و رسوم و باورها از سوی دیگر، می‌توان در گستره نفوذ فرهنگ ایرانی — در ایران بزرگ فرهنگی — جستجو کرد.

بدین ترتیب، حضور «نوروز» در یک سرزمین، نمودی از حضور فرهنگ ایرانی در آن سرزمین است و در برابر، اینکه یک سرزمین به عنوان بخشی از حوزه فرهنگی ایرانی شناخته شود، می‌تواند تا حد زیادی متضمن برگزاری «نوروز» در گوشه و کنار آن سرزمین باشد و چنانچه پیش‌تر آمد، مقصود از «نوروز» مجموعه‌ای از آداب و رسوم و باورهاست که ممکن است در شرایط مختلف جامعه و محیط طبیعی‌ای که بستر برگزاری آن (یا هر رسم کلی دیگری) قرار گرفته‌اند، جزئیات، نقش و جایگاه این آداب و رسوم و باورها و حتی تعداد آنها دستخوش تغییر شود؛ تا بتواند با ساختار فکری، فرهنگی، اجتماعی و محیطی مردم یک سرزمین هماهنگ گردد؛ اما به هر حال، کلیتی به نام نوروز با همه تنوع و دگرگونی‌هایش مبانی و چارچوب خود را حفظ کرده است و در نتیجه به موجودیت و حیات خود در آن سرزمین ادامه می‌دهد.

از این دیدگاه، ماهیت کنونی نوروز در سرزمین‌های حوزه فرهنگ ایرانی، تا حد امکان، در این نوشتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نیز حضور ریشه‌دار نوروز در فرهنگ یک سرزمین، همواره دلیلی بر حضور دیرینه فرهنگ ایرانی در آن سرزمین دانسته خواهد شد. این سرزمین‌ها در جای‌جای متن، ممکن است با عناوینی چون حوزه یا گستره فرهنگ ایرانی، حوزه یا گستره فرهنگی ایران، ایران بزرگ فرهنگی، ایران بزرگ، ایران فرهنگی، و سرزمین‌های حوزه یا گستره نوروز مورد اشاره و ارجاع قرار گیرند.

بیان مسئله پژوهش

آنچه در این پژوهش مورد نظر است، بررسی و طبقه‌بندی آداب و رسوم، باورها و اساطیر نوروزی در زمان کنونی، در مناطق مختلف گستره فرهنگ ایرانی و یافتن اصول مشترک در بین آنهاست؛ اما با توجه به اطلاعات و منابع موجود، بازه زمانی مورد بررسی، قرن حاضر خورشیدی و بویژه نیم قرن اخیر در نظر گرفته شده است.

بی‌گمان با توجه به محدودیت زمان، کمبود نیروی انسانی، و گستردگی حوزه پژوهش، پرداختن به همه موارد، ناممکن خواهد بود؛ به علاوه با توجه به اینکه هدف کار، دستیابی به اصول مشترک است و نه گردآوری همه نمونه‌ها، بنابراین رسیدگی به تمامی نمونه‌های موجود در گوشه و کنار سرزمین‌های حوزه نوروز مورد نیاز نخواهد بود.

با توجه به اینکه نحوه امروزی برگزاری این آداب و رسوم و وضعیت کنونی باورها و اساطیر نوروزی بررسی می‌شود و از سوی دیگر، منابع نوشتاری موجود، معمولاً مربوط به چند دهه پیش هستند مقایسه‌ای ضمنی نسبت به آداب چند نسل پیش و تحولات صورت گرفته نیز گهگاه اتفاق می‌افتد.

لازم است به این نکته توجه شود که در راه شناخت نوروز، بررسی آن از دیدگاه یک رویداد و جشن گاهشماری بسیار حایز اهمیت است؛ تا جایی که برای بررسی پیشینه نوروز و مهرگان، که لازمه آن شناخت و تعیین زمان اعتدال بهاری و پاییزی است، دانش گاهشماری مردمان برگزارکننده آن باید بررسی شود، و

حتی می‌توان بنیان بسیاری از اساطیر نوروزی را نیز به دانش گاهشماری و نجومی مردمی نسبت داد که این اساطیر در بین آنها پرورش یافته است؛ با اینهمه با توجه به اینکه هدف اصلی این پژوهش، چنانکه آمد، بررسی آداب نوروزی در زمان حال است — که خود مطالب گسترده‌ای را در بر می‌گیرد — و نیز اینکه مباحث گاهشماری و نجومی بسیار مفصل است و پرداختن به آن، زمان و نوشتاری طولانی را می‌طلبد، این مبحث از حوزه مطالب مورد بررسی در این پژوهش کنار گذاشته می‌شود و تنها در مواردی به تناسب متن، اشاره‌هایی کوتاه به باورهای گاهشماری خواهد شد.

اهمیت و ضرورت موضوع مورد پژوهش

بررسی و نمایاندن نوروز از دیدگاه هویت مشترک فرهنگی بین مردم ایران و سرزمین‌های حوزه فرهنگی ایران از یک سو، پیوند و همبستگی این مردمان را نمایان و تقویت می‌کند و از سوی دیگر، جلوه‌ها و زوایای این جشن کهن ایرانی را بهتر از پیش آشکار می‌نماید.

اگر آداب و رسوم نوروزی در گستره‌ای وسیع — و نه تنها در یک سرزمین — مورد بررسی قرار گیرد، به دلیل حوزه جغرافیایی وسیع‌تر و نیز تنوع بیش‌تر آداب و آیین‌ها، جنبه‌های بیش‌تری از نوروز شناخته خواهد شد و رسمی که در پژوهش محدود به یک سرزمین، در نقطه‌ای دورافتاده، از دیدها پنهان می‌ماند، چه بسا در یک بررسی کلی‌تر، در سرزمینی دیگر مشابهی داشته باشد که این خود باعث چشمگیر شدن و مورد توجه قرار گرفتن آن رسم و آیین خواهد شد؛ به علاوه، این موضوع مدارک و شواهد بیش‌تری را برای بررسی تاریخی و تحلیلی آن رسم به دست می‌دهد.

گذشته از اینها، با توجه به سرعت روزافزون تغییر آداب و رسوم و باورها، تلاشی هرچند محدود، برای ثبت وضعیت کنونی برگزاری آداب و آیین‌های نوروزی می‌تواند باعث به روز شدن منابع و اطلاعات موجود شود. همچنین، در پی تغییرات و نابودی خرده فرهنگ‌ها و روند پرشتاب یکسان شدن فرهنگ گروه‌ها، در سطح ملی، و نیز ملت‌ها، در سطح جهانی، ثبت و بررسی چنین مطالبی در این مقطع از زمان — که گویی پلی است میان دو سه نسل گذشته، با آن همه آداب و سنن رنگارنگ و پیچیده، و آیندگان، که با جهانی شدن خواه ناخواه نشانی از سنت‌ها و آداب گذشته را با خود نخواهند داشت — بسیار ارزشمند است و شاید ثبت آخرین نمونه‌های برخی از آداب و رسوم باشد.

طرح ثبت نوروز به عنوان میراث معنوی جهانی در یونسکو — که مراحل مقدماتی آن از سال ۱۳۷۸ آغاز شده^۱ و هم‌اکنون در سال ۱۳۸۷ مراحل نهایی را می‌گذراند — نیز اهمیت چنین پژوهش‌هایی را دوچندان می‌کند.

اهداف و دستاوردهای پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، بررسی برخی جلوه‌های نوروز در گستره فرهنگ ایرانی تا حد امکان و یافتن و دسته بندی عناصر و اصول مشترک و همانند در بین آنهاست. این طبقه‌بندی و یافتن مشترکات می‌تواند به

شناخت و توصیف فرهنگ‌های مردم این حوزه و نزدیک شدن آنها به یکدیگر - با توجه به اشتراکات فرهنگی‌شان کمک کند.

بر این اساس دستاوردهای دیگری نیز به دست خواهد آمد؛ از جمله ثبت برخی آداب و رسوم، باورها و اسطوره‌های نوروزی در گستره فرهنگ ایرانی، در وضعیتی که برخی از آنها رو به نابودی‌اند. همچنین بازشناساندن نوروز که نمودی از یک هویت فرهنگی مشترک است، می‌تواند عامل وحدت ملی و فراتر از آن، یکی از پایه‌های همبستگی منطقه‌ای باشد.

پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش تلاش شده است تا به پرسش‌های زیر در حد امکان پاسخ داده شود:

- حوزه گسترش فرهنگ نوروزی چه سرزمین‌هایی را در برمی‌گیرد؟
- آداب و رسوم نوروزی در مناطق مختلف این حوزه چگونه است؟
- چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در آداب و رسوم و باورهای نوروزی در بین مردم این حوزه وجود دارد؟
- رسم‌ها و باورهای اصلی نوروز و اصول مشترک این آیین در سراسر این حوزه کدام‌اند؟
- نوروز در کدام یک از این سرزمین‌ها در سطح دولتی به رسمیت شناخته می‌شود؟
- تأثیر آداب و باورهای نوروزی در فرهنگ و زندگی مردم چگونه است؟
- کدام یک از رسم‌های نوروزی مشخصاً به نوروز اختصاص دارد و کدام یک در برخی از دیگر جشن‌ها نیز به چشم می‌خورد؟

روش کار پژوهش

این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و میدانی انجام پذیرفته است. برای فراهم آوردن اطلاعات، از کتاب‌ها، مقاله‌ها، اسناد موجود در برخی آرشیوهای مردم‌شناسی و نیز آرشیوهای سازمان‌های وابسته به ارتباطات و اطلاعات خارجی (مانند سفارتخانه‌ها، خانه‌های فرهنگ و رایزنی‌های فرهنگی ایران در خارج از کشور و...)، بعضی سایت‌های اینترنتی، پرسشنامه‌های فارسی و انگلیسی (برای داخل و خارج از ایران)، برخی فیلم‌های مستند، بعضی آرشیوهای عکس سازمانی و مجموعه عکس‌های شخصی، انجام مصاحبه، و مشاهده استفاده شده است.

طبیعتاً از برخی از این موارد تنها برای جمع‌آوری اطلاعات اولیه و کلی و به عنوان راهنما و راهگشا در آغاز کار استفاده شده و بنابراین در فهرست منابع مندرج در پایان پژوهش، نامی از آنها برده نشده است. کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری درباره نوروز و جنبه‌های گوناگون آن نوشته شده است. تا کنون دو کتاب‌شناسی نوروز در ایران به چاپ رسیده که تعداد بسیاری از این آثار را معرفی می‌کند. (در بخش پیشینه پژوهش به آن پرداخته خواهد شد). در کتاب‌شناسی متأخر که در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده و طبعاً موارد ذکر شده در کتاب‌شناسی پیشین را نیز مد نظر قرار داده است، در حدود هزار و پانصد عنوان کتاب، مقاله داخلی و

خارجی، و نسخه خطی فهرست شده است که البته از این تعداد، برخی عناوین - به دلیل چاپ مجدد در انتشاراتی متفاوت - تکرار شده‌اند؛ علاوه بر این، مطالبی نیز هر ساله بنا به مناسبات در آستانه نوروز در روزنامه‌ها و مجلات و سایت‌های اینترنتی درباره نوروز منتشر می‌شود، اما معمولاً حاوی مطلب جدیدی نیست؛ هرچند به هر حال این منابع نیز در پژوهش حاضر تا حدودی مورد توجه قرار گرفته است.

در نگاه نخست، با وجود تعداد زیاد آثار نوشتاری، که هر ساله نیز بر شمار آن افزوده می‌شود، انجام دادن روش‌های میدانی، لازم به نظر نمی‌رسد. اما بنا بر دلایلی این نیاز وجود دارد؛ از جمله اینکه به طور کلی منابعی که درباره نوروز و شیوه برگزاری آن در این کتابشناسی آمده است اطلاعات چندانی درباره نوروز در خارج از مرزهای کنونی ایران به دست نمی‌دهد؛ به علاوه، دسترسی به بسیاری از منابع این کتابشناسی، بویژه مواردی که در خارج از ایران منتشر شده بود، ممکن نبود؛ بسیاری از این منابع تکرار مباحث آثار پیشین خود هستند و مطلب تازه‌ای عنوان نمی‌کنند؛ بسیاری از این آثار به کلیاتی درباره نوروز اکتفا می‌ورزند؛ در حالی که جزئیات برگزاری آداب، مراسم، باورها و اساطیر نوروزی را، که مورد نظر این پژوهش است، در این منابع کمتر می‌توان یافت؛ مهمتر از همه، با توجه به اینکه پژوهش حاضر، زمان حال را بیش از همه مد نظر دارد، گردآوری اطلاعات روزآمد مورد نیاز بود که بی‌گمان بخشی از این اطلاعات را در این آثار نوشتاری نمی‌توان یافت.

بنابر این دلایل، استفاده از منابع دیگر نیز مورد توجه قرار گرفت. برای یافتن اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر درباره نوروز در خارج از مرزهای کنونی ایران، روش‌های متعددی در پیش گرفته شد که در مواردی بسیار مفید بود و در برخی دیگر کمتر؛ از جمله مراجعه به سفارتخانه‌ها، مصاحبه با برخی از افرادی که تابع کشورهای مورد نظر بودند یا مدتی طولانی از زندگی خویش را در یکی از این کشورها گذرانده بودند؛ از جمله بعضی استادان دانشگاه و رایزنی‌های فرهنگی ایران در این کشورها. ارسال پرسشنامه‌هایی به زبان انگلیسی برای افرادی در خارج از ایران از طریق پست الکترونیکی، و نیز مراجعه به دو آرشیو اسناد سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در ساختمان مرکزی و نیز بخش «آسیا و اقیانوسیه»؛ همچنین مراجعه به بعضی سایت‌های اینترنتی در این زمینه تا حدودی راهگشا بود.

در زمینه برگزاری نوروز در داخل ایران در بین کتاب‌ها و مقالات موجود، بویژه مقاله‌های مربوط به دو همایش سراسری نوروز - که سازمان میراث فرهنگی کشور با هدف ثبت نوروز به عنوان میراث معنوی جهانی برگزار کرده - و سایر مقالات و کتاب‌هایی که این سازمان و در جهت همین برنامه انتشار داده است، بسیار مفید واقع شد. همچنین تعدادی کتاب در زمینه آداب و آیین‌های نوروزی در ایران به چاپ رسیده است که منابع بسیار خوبی از نظر گردآوری و دسته‌بندی آداب نوروزی هستند اما با توجه به زمان نگارش آنها و سرعت شگفت‌آور تحولاتی که در رسم‌ها و سنت‌های گوناگون در حال رخ دادن است، نیاز بود تا بعضی اطلاعات این منابع با استفاده از روش‌های دیگر به روز گردد.

آرشیو اسناد مرکز فرهنگ مردم صداوسیما گنجینه‌ای از اطلاعات درباره آداب و رسوم مختلف مردم سراسر ایران است که در بین سال‌های دهه سی تا دهه شصت خورشیدی به همت استاد ابوالقاسم انجوی شیرازی (نجوا) از طریق برنامه «فرهنگ مردم» رادیو جمع‌آوری گردید و اکنون تحت شرایطی در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد. همچنین چندین مجموعه عکس نیز در آرشیو اطلاعات این مرکز موجود است که برای دریافت اطلاعات اولیه، بسیار مفید است اما اجازه هیچ‌گونه کپی‌برداری از این عکس‌ها داده نمی‌شود و متأسفانه هیچ نسخه پشتیبانی نیز برای استفاده تا به امروز تهیه نشده است.

منبع دیگری که مورد استفاده قرار گرفت آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی بود؛ که در مقایسه با آرشیو مرکز فرهنگ مردم صداوسیما اطلاعات جدیدتر اما بسیار کلی‌تر و محدودتری داشت؛ به هر روی، متأخر بودن این اطلاعات بسیار مورد نظر این پژوهش بود و تا حد ممکن از این آرشیو نیز بهره گرفته شد.

با توجه به دلایلی که پیش‌تر مطرح شد بجز استفاده از منابع کتابخانه‌ای، از روش‌های میدانی نیز بهره گرفته شد و تا حد امکان با تعدادی از هموطنان در مناطق گوناگون مصاحبه انجام گرفت و نیز تعدادی پرسشنامه با کمک دوستانی که در مناطق مختلف ایران زندگی می‌کنند، به این نواحی فرستاده شد. اما متأسفانه اکثر این پرسشنامه‌ها، شاید به دلیل تعداد بسیار زیاد سؤال‌ها، بی‌جواب ماند. همچنین با بزرگواری آقای محمد میرشکرایی، پژوهشگر نوروژ، رئیس پیشین پژوهشکده مردم‌شناسی میراث فرهنگی و مسئول برنامه پژوهشی ثبت جهانی نوروژ، این امکان فراهم شد تا مصاحبه‌ای نیز با ایشان انجام شود.

از مشاهده برخی آداب نوروژی در شهرهایی از ایران و نیز عکس‌های آن — به طور محدود — بهره گرفته شد. همچنین استفاده از بعضی عکس‌ها و فیلم‌های مستند نیز بخشی از کار قرار گرفت اما به دلایل گوناگون، دسترسی به آنها با مشکلات زیادی مواجه شد و در نتیجه بسیاری از این منابع نادیده ماند.

با اینکه اطلاعات به روز بیش از همه مد نظر پژوهش حاضر بود اما منابع موجود این امکان را فراهم نمی‌کرد و استفاده از مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه نیز در سطح چندان وسیعی امکان‌پذیر نبود؛ در نتیجه، محدوده زمانی سده حاضر با تمرکز بیش‌تر بر اطلاعات متأخرتر در این پژوهش مورد نظر قرار گرفت.

لازم است به این نکته نیز اشاره شود که به دلیل محدودیت زمانی برای پژوهشی به این گستردگی، در عمل فرصتی برای استفاده از چندی از اسناد و مدارک جمع‌آوری شده، فراهم نشد. همین‌طور تعدادی از مباحثی که در طرح اولیه این پژوهش مورد نظر بود، در مراحل بعدی، به دلیل کوتاهی زمان موجود، از فهرست خارج شد.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر با افزایش توجه همگان به نوروژ و تلاش برای ثبت آن به عنوان میراث معنوی جهانی، تعداد مقالات و کتاب‌هایی که در این باره منتشر شده، افزایش یافته است. در روزنامه‌ها و نیز در سایت‌های

ایتترنتی، در آستانه نوروژ و اندکی پس از آن، نوشته‌های بسیاری را در این مورد می‌توان دید؛ در ضمن برخی مجلات در آستانه نوروژ شماره‌ای را به ویژه‌نامه نوروژ اختصاص می‌دهند.

گذشته از فهرست‌های مختلفی از مقالات و کتاب‌ها که در زمینه‌های گوناگون در ایران وجود دارد و در بین آنها کتاب‌ها و مقالاتی درباره نوروژ نیز می‌توان یافت، دو کتابشناسی ویژه نوروژ تاکنون در ایران به چاپ رسیده است:

اذکایی، پرویز. *نوروژ، تاریخچه و مرجع شناسی*، تهران: مرکز مردم شناسی ایران - وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳.

کریمیان سردشتی، نادر و علیرضا عسگری چاوردی. *کتابشناسی نوروژ*، تهران: پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۲.

پژوهش‌های انجام شده و آثار گوناگون نوشتاری و بصری درباره نوروژ چنان فراوان است که بیم آن می‌رود که نتوان مطلب تازه‌ای درباره نوروژ نوشت؛ با این حال، تعداد آثاری که به جنبه‌های گوناگون نوروژ می‌پردازند همچنان رو به افزایش است، در این بخش تنها تعداد اندکی از این آثار انتخاب و ارائه شده است. از قرن هجده میلادی به این سو و بویژه در قرن نوزده و بیست میلادی، توجه خاورشناسان اروپایی به مسائل ایران از جمله آیین زرتشت باعث شد تا نوروژ نیز به عنوان جشنی ایرانی یا زرتشتی مورد توجه آنان قرار گیرد؛ در بسیاری از این آثار به نوروژ در کنار موضوعات دیگر توجه شده است و در بعضی دیگر، نوروژ موضوع اصلی تحقیق بوده است؛ همچنین در سفرنامه‌های بسیاری از اروپاییان به ایران، اشاراتی به مراسم نوروژ می‌توان یافت که در برخی موارد، حاوی نکاتی بسیار ارزشمند است. برخی از این آثار برای نمونه عبارت‌اند از:

Hyde. T: *Veterum Persarum et Parthorum et Medorum Religions Historia*. Oxford, 1700.
توماس هاید، خاورشناس انگلیسی نخستین کتاب را مدون درباره تاریخ ادیان کهن ایران بر اساس منابع عربی و فارسی در سال ۱۷۰۰ منتشر ساخت؛ این، نخستین پژوهش مدون و جدی درباره زرتشت و مسائل دینی ایران بود. در این اثر، فصلی راجع به گاهشماری و جشن‌های ایران بویژه نوروژ آمده که حاوی اطلاعاتی بسیار کهن است (کریمیان سردشتی، ۱۳۸۲: ۱۸۱).

Christensen. A.: *Les Types du Premier home et du Premier Roi dans l'histoire Legendaire des Iraniens*. Stokholm et Lcide., 2, vols. 1917-1934.

آرتور کریستن سن، (۱۹۴۵-۱۸۷۵) ایران‌شناس نامی دانمارکی است که در زمینه‌های گوناگون از جمله تاریخ، اسطوره‌شناسی، لهجه‌شناسی، داستان‌های عامیانه و ادبیات ایران آثار ارزشمندی از خود بر جا گذاشته است. در این کتاب که یکی از آثار مهم تاریخ داستانی و اسطوره‌شناسی تحلیلی و تطبیقی ایران به شمار می‌آید، مبحثی نیز به نوروژ اختصاص یافته است. این اثر را به نام *نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌های ایرانیان*، ژاله آموزگار و احمد تفضلی به فارسی ترجمه کرده‌اند.